

وداع با ماه خدا

<?xml encoding="UTF-8?">

ماه مبارک رمضان یک حقیقت و باطنی دارد که این حقیقت در قیامت ظهور می کند. ماه مبارک رمضان را امام سجاد (ع) عید اولیاء الله می داند. در صحیفه سجادیه دعایی است به نام دعای وداع ماه مبارک رمضان. این وداع برای کسی است که با ماه مبارک رمضان مانوس بوده و ماه مبارک رمضان دوست او می باشد والا آنکه با این ماه نبوده وداعی ندارد. انسان از دوستش و یا با کسی که مدتی مانوس بود، خداحافظی می کند. آنکه اصلاً نمی داند چه وقت ماه مبارک رمضان آمد و چه وقت سپری شد، چرا آمد و چرا سپری شد، او وداعی ندارد. اما امام سجاد (ع) آخر ماه مبارک رمضان که شد، در حد یک ضجه این دعا را می خواند. در مقدمه این دعا، حضرت سجاد (ع) کلیات نعمت های الهی را می شمارد و اینکه بخشش های خدای سبحان ابتدایی است، نه از روی استحقاق.

رمضان بهترین بخشش خداوند بعد از آن مقدمه می فرماید : یکی از بهترین بخشش های خداوند سبحان، ماه مبارک رمضان و روزه در این ماه است : «و انت جعلت من صفایا تلک الوظائف و خصائص تلک الفروض شهر رمضان... و قد اقام فینا هذا الشهر مقام حمد و صحبتنا صحبة مبرور». (1)

خدایا، نعمت های فراوانی به ما دادی؛ یکی از آن برجسته ترین نعمت ها ماه مبارک رمضان است و یکی از بهترین فضیلت ها روزه این ماه است که نصیب ما کردی. و هیچ زمانی به عظمت زمان ماه مبارک رمضان نیست، گذشته از آنکه شب قدر را در آن قرار دادی، این ماه را ظرف نزول قرآن کریم قرار دادی که این فیض در این ماه نازل شده است، اگر کسی با قرآن باشد همراه قرآن بالا می رود، و این را بر ملت مسلمان منت نهادی، زیرا دیگر ملل در ماه مبارک رمضان روزه نمی گرفتند و این نعمت را مخصوص مسلمین کردی.

و این ماه مبارک در بین ما اقامت داشت و جای حمد و ثنا بود؛ زیرا به همراه خودش رحمت آورد و رفیق بسیار خوبی برای ما بود. ما در صحبت با او به فضایل و نعمت هایی رسیدیم. دوستی بود که به همراهش رحمت و مغفرت و برکت آورد. اینکه رسول خدا - علیه آلاف التحية و الثناء - در خطبه شعبانیه فرمود : «قد اقبل الیکم شهر الله بالبركة و الرحمة و المغفرة»؛ این ماه، برکت و رحمت و مغفرت آورد؛ کسی که رفیق این ماه بود، برکت و رحمت و مغفرت این ماه را هم دریافت می کند.

رمضان ماه منفعت «و اربحنا افضل ارباح العالمین»؛ «ماه رمضان» برترین سودهای جهانیان را به ما ارزانی داشت که هیچ تاجری در هیچ گوشه دنیا نبرده است. هیچ کسی در سراسر عالم به اندازه ما از این ماه مبارک رمضان استفاده نکرد. اگر انسان یک مسافری است که سفر ابد در پیش دارد، ره توشه آن سفر ابد را باید همین چند روز تهیه کند و اگر درهای آسمان به چهره مؤمن باز می شود و اگر مؤمن می تواند با وارستگی به باطن عالم راه پیدا کند و اگر بهترین فرصت ماه مبارک رمضان است؛ پس بهترین سود را ماه مبارک رمضان و اهلش دارند.

ماه حسابرسی از «ابن طاووس» نقل شده است که فرمود : عده ای اول سالشان اول فروردین است. یک نوجوان اول سال او اول فروردین است که تلاش می کند لباس نو در بر کند؛ درخت ها اول سالشان فروردین است که لباس های نو و تازه در بر می کنند؛ اول سال یک کشاورز اول پاییز است که درآمد مزرعه را حساب می کند؛ یک تاجری که کارگاه تولیدی دارد، اول سال را در فرصت دیگری تعیین می کند؛ اما آن ها که اهل سیر و سلوک اند، اول سالشان ماه مبارک رمضان است؛ حساب ها را از ماه مبارک تا ماه مبارک بررسی می کنند که ماه مبارک رمضان گذشته، چه درجه ای داشته و امسال چه درجه ای دارند؟ چقدر مطلب فهمیده و چقدر مسایل برای آنها حل شده است؟ چقدر در برابر گناه قدرت تمکین داشته و چقدر در برابر دشمن، قدرت تصمیم دارند؟ ماه مبارک رمضان برای سالکان الی الله، ماه محاسبه است؛ لذا امام سجاد (ع) فرمود : هیچ کس در سراسر جهان به اندازه ما در این ماه استفاده نکرد.

هجرات جانکاه «ثم قد فارقنا عند تمام وقته و انقطاع مدته و وفاء عده و نحن مودعوه»؛ این ماه بعد از آنکه پایانش فرا رسید، از ما مفارقت و هجرت کرد و ما را تنها گذاشت و ما الان این ماه را وداع می کنیم.

«وداع من عز فراقه علينا و غمنا»، (2)

چه وداعی؟ وداع تشریفاتی؟ نه، وداع با یک دوست عزیزی که مفارقتش برای ما توانفرساست. آنکه اهل معنا بود خیرش در این ماه بیشتر شد؛ آنکه گرفتار گناه بود گناهش در این ماه کمتر شد. فرمود : ما کسی را وداع می کنیم که رفتنش برای ما عظیم و سخت است و ما را غمگین کرد؛ این ماهی بود که شب و روزش رحمت بود. بزرگان فقه ما همچون «مرحوم صاحب جواهر» و «سید محمد کاظم» صاحب «عروة الوثقی» و دیگران (رضوان الله علیهم) در کتاب هایشان هست که در فضیلت روزه گرفتن، همین بس که انسان از نظر ترک بسیاری از کارها شبیه فرشته می شود. همین که انسان از شکم رها شد، یک مقدار به فرشته شدن نزدیک می شود. گفته اند شش روز اوایل ماه شوال را به عنوان بدرقه، روزه بگیرید. بعد از عید فطر، که عید فطر روزه اش حرام است، زیرا اگر کسی دوست عزیزی را بخواهد بدرقه کند، چند قدم به همراه او می رود؛ معنای وداع کردن، به دنبال او چند قدم رفتن است.

«و اوحشنا انصرافه عنا» و از اینکه منصرف شد و از ما فاصله گرفت، ما را به وحشت انداخت. ما یک دوست رئوف و مهربان و پربرکتی را از دست می دهیم، لذا ما به وحشت افتادیم؛ آخر ماه مبارک رمضان که می شد احساس غربت می کردند. سلام بر تو ای عید اولیاء خدا.

«و لزمنا له الذمام المحفوظ و الحرمة المرعية و الحق المقضي»؛ ما باید حقی که او به عهده ما دارد رعایت کنیم؛ حرمتی که در پیش ما دارد باید ارج بنهیم؛ باید به تعهدی که بین ما و اوست وفا کنیم.

سلام بر تو ای عید اولیاء خدا «فنحن قائلون السلام علیک یا شهر الله الاکبر و یا عید اولیائه»، آن گاه چون این دوست عزیز از ما مفارقت می کند، ما در آخر ماه مبارک این چنین می گوییم : سلام بر تو ای بزرگ ترین ماه که به خدا انتساب داری و سلام بر تو ای عید اولیاء الهی. این سلام تودیع است، چون تنها ماهی که اسمش در قرآن کریم است ماه مبارک رمضان است :

عارفان هر دمی دو عید کنند عنکبوتان مگس قدید (3) کنند (4)

کار عنکبوت آن است که بتند و با این تارها مگس صید کند و قرمه درست کند. کار عنکبوت آن است که مگس را ذخیره کند، قدید کرده و قرمه درست کند و کارش غیر از ذخیره کردن چیز دیگری نیست، اما عارف در هر دم و هر نفس دو عید دارد که سعدی گفت : هر نفسی که فرو می رود ممد حیات است و چون برمی آید مفرح ذات؛ پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب؛ لذا عارف در هر دم دو عید دارد.

علی ای حال، بهترین دمی که انسان دارد در ماه مبارک رمضان است که «انفاسکم فیه تسبیح»؛ نفس کشیدن در این ماه «سبوح قدوس» گفتن است؛ لذا امام سجاد (ع) می فرماید : سلام بر تو ای عید اولیای الهی. اینکه می بینیم در آخر ماه مبارک رمضان عید فطر می گیرند، چون جایزه های یک ماه را به ما می دهند؛ در حقیقت محصول ماه مبارک رمضان است. این ضیافه الله، آن لقاء الله را در بر دارد و عظمت از آن ماه شوال نیست، بلکه عظمت از آن ماه مبارک رمضان است که نتیجه یک ماهه را در روز عید می دهند.

روز عید است و من مانده در این تدبیرم که دهم حاصل سی روزه و ساغر گیرم

«السلام علیک یا اکرم مصحوب من الاوقات و یا خیر شهر فی الایام و الساعات». (5) امام سجاد چندین بار به این ماه سلام می کند. ماه اگر یک زمانی گذرا بود و باطن و سر و حقیقت و روح و جانی نداشت، این ولی الله که به او سلام نمی گفت. آیا این ها معاذ الله نظیر اشعار خیالی شعراست که بر خطابه های خیالی حمل شود که مثلاً به کوه و یا آثار مخروبه خطاب می کنند، یا نه این ماه یک حقیقتی دارد.

می گوید : ما خیلی دوست داشته و داریم، اما هیچ دوستی به عظمت این ماه نبود. یک ماهی که نه هیچ روزی مثل روزهای او بود و نه هیچ شبی مثل شب های او.

ماه چه و چگونه خواستن از خداوند

«السلام علیک من شهر قربت فیه الامال و نشرت فیه الاعمال»؛ سلام بر ماه آرزوهای مشروع و اعمال مرفوع

سلام ما بر تو ای ماهی که آرزوها در این ماه نزدیک شد و ما فهمیدیم که چه بخواهیم، لذا آرزوهای طولانی نمی طلبیم. و از طول امل آزاد شدیم و بر آمدن آرزوهای مشروع ما نزدیک شد. در همین دعای سحر ماه مبارک رمضان، امام سجاد (ع) به ما آموخت که به خدا عرض کنیم : خدایا، آن ها که تو را نمی شناسند و عبادت نمی کنند، آن ها را روزی می دهی و این همه مار و عقرب ها را خدا تامین می کند، پس حیف است که انسان تمام حاجت ها را در محور ماده و مادیات خلاصه کند. آن ها که اصلاً خدا را نمی شناسند و عبادت نمی کنند، نظیر این همه کفار و منافقین، خداوند آنها را در عالم تامین می کند، پس آیا صحیح است انسان تلاش و کوشش خود را بر این صرف بکند که از خدا طبیعت و دنیا بطلبد؟

امام می فرماید : سلام بر این ماه که فهمیدیم در این ماه از خدا چه بخواهیم. آرزوهای طولانی نداشته باشیم، بلکه چیزی بخواهیم که برای ما بماند.

وقتی این آیه نازل شد : «و کاین من دابة لا تحمل رزقها الله یرزقها»، (6) مهاجرین از مکه به مدینه هجرت کردند. چون اینها وقتی می خواستند از مکه به مدینه هجرت کنند، کسی به آنها اجازه نمی داد تا اموالشان را هم منتقل کنند یا بفروشند و می گفتند : اگر خواستید از مکه به مدینه بروید باید با دست خالی بروید. وقتی این آیه نازل شد که هیچ جنبه ای، چه اهل پس انداز باشد یا نباشد، نیست که از جایی به جایی حرکت بکند، مگر اینکه خدا روزی او را می دهد؛ معنایش این است که همه در عالم روزی خدا را می خورند.

جنبده ها دو قسمت اند : بعضي اهل پس انداز و ذخيره اند مثل موش و مورچه ها؛ بعضي آزادانه زندگي مي کنند، مثل کبوترها، گنجشک ها، بلبل ها که اينها اهل ذخيره و پس انداز نيستند. در اين آيه فرمود : هم آن موش و مورچه را که اهل پس اندازند خدا روزي مي دهد، هم کبوتر و بلبل و گنجشک را که اهل ذخيره نيستند؛ اينطور نيست که فقط موش ها را خدا تامين کند و بلبل ها را تامين نکند، وقتي اين آيه نازل شد، مسلمين از مکه به مدينه هجرت کردند. گفتند ما روزي مان را که از جايي به جايي حمل نمي کنيم، بالاخره خدای مکه خدای مدينه هم هست. اگر ما را در مکه اداره مي کند در مدينه هم اداره مي کند. با دست خالي آمدند و در مسجدهاي مدينه ماندند و مهاجر ناميده شدند؛ خدا آنها را تامين کرد.

اين چنين نيست که اگر انسان روح بلند نداشته باشد، به او خوش بگذرد و يا اگر روح بلند و عظيم داشت در جهان تلخکام باشد. انسان اگر ذهن و جانش را به چيز درستي مشغول نکند، او آدم را به چيز نادرستي مشغول مي کند؛ تا آدم اين نفس و ذهن و مرکز اندیشه را مشغول نکند او آدم را مشغول مي کند؛ فرمود : ما در اين ماه فهميديم از خدا چه بخواهيم، اعمالمان باز و آرزوهايمان بسته شد. جلو آرزوهايمان را گرفتيم و دست به کار شديم.

وداعي غم انگيز با ياري عزيز «السلام عليك من قرين جل قدره موجودا و افجع فقهده مفقودا»؛ سلام بر تو اي نزديكي که وقتي بودي گرامي بودي و حال که در آستانه رفتن هستي، رفتنت فاجعه است و ما را غمگين مي کند همچون کسي که عزيزترين عضو خانواده اش را از دست بدهد.

«و مرجو آلم فراقه»؛ سلام بر تو اي تکیه گاه اميد که در هنگام مفارقت، ما را متالم و رنجور کردی. آن ماه که در جان انسان رسوخ داشت، وقتي از جان فاصله مي گيرد جانش را غم پر مي کند. آن فهميدن ها و صفاي ضمير ديگر نيست. آن نشاطي را که انسان در ماه مبارک رمضان براي نثار و ايثار دارد در غير ماه مبارک رمضان ندارد. اگر انسان در اين ضيافت حق از خدا، غنا و بي نيازي طلب کند، چيزي او را به خود متوجه و مشغول نمي کند؛ نه از کسي مي ترسد و نه از بذل جان دريغ مي کند.

«السلام عليك من اليف آنس مقبلا فسر و اوحن منقضيا فمض»؛ (7) سلام بر تو اي دوست با الفت که وقتي آمدي، ما را مسرور کردی و وقتي رفتی، ما را گداختی و رفتی، داغ زدي و رفتی! اين حرف، حرف یک انساني است که با باطن روزه اين ماه و با باطن ليله قدر در تماس بوده است.

وداع با ماه رقت قلوب و قلت ذنوب «السلام عليك من مجاور رقت فيه القلوب و قلت فيه الذنوب»؛ سلام بر تو اي همسايه عزيز که در مجاورت و جوار رحمت تو بوديم. تو همسايه اي بودي که در اين مدت دل ها رقيق مي شد و گناهان کم.

در مناطق بيلاقي و در سرزميني که سبز و خرم است چشمه معدني مي جوشد، چون با املاح و رسوبات همراه است، اين آب زلال نيست که راه خود را طي کند و راه باز کند و تشنه ها را سيراب کرده و به مقصد برسد، بلکه با رسوبات و املاح همراه است. اين آب زلال است که وقتي از چشمه مي جوشد راه خود را باز مي کند و راه کسي را هم نمي بندد؛ همه اين درخت ها و گياهان تشنه سر راه را هم سيراب مي کند تا به دريا برسد، اين خاصيت آب زلال است که اصلا به دنبال تشنه مي رود تا سيرابش کند. سرش را به سنگ مي زند و تلاش و کوشش مي کند که خود را به تشنه ها برساند اما اگر اين آب رسوبي باشد همين که مي جوشد راه خود را مي بندد. بعد از چند سال

در آن مزرع، تلي از سنگ پيدا شده و همه آن سرزمين هاي سبز، خشک مي شود و از او چيزي روئیده نمي شود. اين آب وقتي زلال و صاف نباشد جلوي خودش را هم مي بندد؛ افکار و اندیشه در دل ها هم همين طور است، اگر زلال باشد از جان مي جوشد، با زبان و قلم منتشر مي شود، به گوش و چشم مي رسد و از آنجا به دل هاي ديگران مي رسد؛ لذا يکي از القاب عالم «ماء معين» است که ريشه اصلي آن درباره حضرت ولي عصر (عج) است که يکي از القاب مبارک آن حضرت «ماء معين» است : «قل ارايتم ان اصبح ماءکم غورا فمن ياتيکم بماء معين».

(8)

ماء معين يعني آب جاري؛ آبي که چشم، آن را مي بيند. علم و عالم را ماء معين مي گويند، چون مانند چشمه زلال است که مي جوشد. حرفي که مي زند، چيزي که مي نويسد، علمي است که از جان او تراوش کرده و به گوش و چشم شخصي رسيده است و او مي فهمد و به ديگري مي گويد، ديگري هم مي فهمد و به بعدي مي گويد. اين مانند يک چشمه زلالي است که بالاخره به اصلش مي رسد اما افکار و اندیشه و خيالات باطل مانند همان رسوبات و املاح معدني اند که همان جا قلب را مي بندند؛ کم کم اين قسي مي شود، وقتي که دل بسته شد، نه چيزي از آنجا سرايت مي کند و به ديگران مي رسد و نه حرف ديگران به آنجا مي رسد. نه حرف او در غير مؤثر است و نه حرف غير در او مؤثر مي باشد. امام سجاد (ع) فرمود : دل ها در اين ماه نرم و رقيق و گناهان در اين ماه کم مي باشد.

ماه پيروي بر شيطان «السلام عليك من ناصر اعان علي الشيطان و صاحب سهل سبل الاحسان»؛ سلام بر تو اي رفيقي که کمک کړدي تا ما بر شيطان مسلط شديم. انسان در اين ماه بر شيطان مسلط مي شود. به خاطرات شيطاني گوش فرا نمي دهد. تو براي ما مصاحب خوبي بودي که ما توانستيم بر شيطان پيروز شويم. ما نه تنها در بعد سلبي از دست شيطان نجات پيدا کردیم که کار بد نکردیم، بلکه در بعد اثباتي هم پيروز شدیم. راه هاي خير را خوب و به آساني طي کردیم. اگر در غير ماه مبارک رمضان کار خير را به سختي انجام مي دادیم، در اين ماه به آساني انجام دادیم، تو باعث شدي که ما راه احسان را با سهولت طي کردیم.

ماه آزادي «السلام عليك ما اکثر عتقاء الله فيک» سلام بر تو اي ماهي که چقدر بنده ها را خدا در اين ماه آزاد کرده است. خدا آنها را که گرفتار آتش و رذائل اخلاقي بودند، از دست اين بندها آزاد کرد و نعمتي بهتر از آزادي نيست.

امام صادق (ع) فرمود : «من رفض الشهوات فصار حرا»؛ (9) اگر کسي شهوت را ترک کند، آزاد مي شود و نعمتي بالاتر از آزادي و آزادي و حریت نيست که انسان گرفتار شهوت و غضب و برده هوي نباشد و زمامش را به دست هوشش نسپرد.

«و ما اسعد من رعي حرمتک بک»؛ چقدر سعادت مند شد آن کسي که احترام تو را حفظ کرد و مواظب بود تا در اين ماه حرف بد نزند، خيال و گناه بد نکند.

ماه محو کننده گناه «السلام عليك ما کان امحاک للذنوب و استرک لانواع العيوب»؛ سلام بر تو اي حقيقت ماه مبارک رمضان که تو محوکننده گناه هستي و پوشاننده تر از هر چيزي نسبت به عيوب انسان. عيب را مي پوشاني و گناه را محو مي کنی.

اول پوشاندن و ستر و بعد مغفرت است. خدای سبحان اول می پوشاند، که آبروی انسان محفوظ باشد، بعد می بخشد. این ستار زمینه آن غفار را فراهم می کند. انسان تا بتواند آبروی دیگران را حفظ کند، خدا هم آبروی او را حفظ می کند، مؤمن حق ندارد کاری بکند که ذلت آور باشد.

«السلام علیک ما کان اطولک علی المجرمین»؛ سلام بر تو ای ماه مبارک رمضان که برای افراد تبهکار خیلی طولانی هستی و رمضان برای او حکم چندین ماه است.

«و اهییک فی صدور المؤمنین»؛ ماه مبارک رمضان در دل های مؤمنان با یک هیبت و ابهت و جلال و هیمنه و شکوه تلقی می شود.

وداع با ماه بی رقیب «السلام علیک من شهر لا تنافسه الايام»؛ سلام بر تو ای ماهی که هیچ ماهی با تو مسابقه و رقابت ندارد.

در منافسه وقتی انسان می دود و مسابقه می دهد، نفس نفس می زند تا به مقصد برسد. خدای سبحان هم فرمود برای گرفتن فضائل، منافسه بدهید : «فلیتنافس المتنافسون»؛ شما نفس نفس بنزید تا آن شیء نفیس و ارزنده را بگیرید. هیچ ماه و ایام و لیالی و لحظاتی با تو منافسه نمی کند و رقابت ندارد. تو پیشگامی و همه یازده ماه سال به دنبال تواند. این چنین نیست که انسان بگوید در ماه مبارک رمضان حرف ها را می شنوم و بعدا عمل می کنم. اگر فعلا عمل نشود بعدا هم عمل نمی شود؛ چون زمان های دیگر آن قدرت را ندارد که با ماه مبارک رمضان در کسب توفیق انسان رقابت کنند.

«السلام علیک غیر کره المصاحبة و لا ذمیم الملايسة»؛ سلام بر تو، در این مدتی که مهمان ما بودی یا ما در خدمت شما بودیم، هیچ رنجی ندیدیم. از مصاحبت با شما خسته نشدیم. در خدمت شما بودیم و لذت بردیم، ذم، کراهت و مانند آن از شما مشاهده نکردیم. تو مهمان خوبی برای ما بودی.

«السلام علیک کما وفدت علینا بالبرکات و غسلت عنا دنس الخطیئات».

سلام بر تو ای ماه گرایی مبارک رمضان که برکت آوردی، ما را شستشو کردی و رفتی و بعدا اگر آلوده شدیم به دست خود آلوده شده ایم والا تو ما را تطهیر کردی و رفتی. ما احساس سبکی می کنیم.

مهمان بی زحمت «السلام علیک غیر مودع بر ما و لا متروک صیامه ساما»؛ سلام بر تو که در هنگام تودیع، ما احساس خستگی نکردیم. انسان وقتی مهمان را با تشریفات پذیرایی می کند، خود در این مدت خسته می شود؛ اما ایشان می فرماید ما خسته نشدیم، ما از روزه گرفتن که پذیرایی تو بود خسته نشدیم و رنجی احساس نکردیم، بلکه برای ما گوارا بود.

«السلام علیک من مطلوب قبل وقته و محزون علیه قبل فوته»؛ سلام بر تو، قبل از اینکه بیایی ما انتظار تو را داشتیم و الان هم هنوز نرفته ای مقداری مانده است. ولی همین که می خواهی بروی ما را غمگین کرده ای.

«السلام علیک کم من سوء صرف بک عنا و کم من خیر افیض بک علینا»؛ سلام بر این مهمان گرانقدری که به برکت تو، خدا خیلی از بلاها را از ما برداشت و خیلی از برکات را به ما داد. ما در حقیقت مهمان تو بودیم، نه تو مهمان ما.

«السلام علیک و علی لیلۃ القدر الّتی هی خیر من الف شهر»؛ این زیارتنامه است، این سلام تودیع است، سلام بر تو ای ماه، سلام بر لیلۃ القدر، آن شب قدری که هزار ماه - تقریباً هشتاد سال - بالاتر است.

«السلام عليك ما كان احرصنا بالامس عليك و اشد شوقنا غذا اليك».

سلام بر تو اي ماهي که ما ديروز خيلي حريص بوديم که شما بيابي و فردا هم خيلي مشتاقيم که زيارتتان کنيم؛ اين طور نيست که به عنوان يک اداء وظيفه اين مراسم توديع را انجام بدهيم.

«السلام عليك و علي فضلک الذي حرمناه و علي ماض من برکاتک سلبناه»؛ سلام بر تو و فضيلت تو، سلام بر تو و برکات تو.

«اللهم انا اهل هذا الشهر الذي شرفتنا به و وفقتنا بمنک له حين جهل الاشقياء وقته و حرموا لشقائهم فضله»؛ خدايا آن توفيق را دادی که ما اهل اين ماه باشيم، در حالي که عده اي از فضيلت اين ماه محروم شدند و منشاء حرمان آنها نيز شقاوتشان بود که به سوء اختيار خود آنان فراهم شد. «و انت ولي ما آثرنا به من معرفته و هديتنا له من سنته»؛ پروردگارا، تو مولي و سرپرست مايي، در آنچه ما را براي شناخت آن برگزيده اي و راهنمايي نموده اي که روش آن را طي نماييم.

«و قد تولينا بتوفيقک صيامه و قيامه علي تقصير و ادينا فيه قليلا من کثير». و در پرتو توفيق تو، به روزه و نماز آن با اعتراف به تقصير نايل آمديم و اندکي از وظايف بسيار را ادا نموديم.

«اللهم فلک الحمد اقرارا بالاساءة و اعترافا بالاضاعة و لک من قلوبنا عقد الندم و من السنتنا صدق الاعتذار».

پروردگارا! تو را در حالي ستايش مي کنم که به بد رفتاري خود اقرار و به ضايع نمودن نعمت احکام تو و عمر خویش اعتراف داريم. و براي توسل از طرف دل هاي ما پيمان پشيماني و از ناحيه زبان پوزش طلبي صادقانه. «فاجرنا علي ما اصابنا فيه من التفريط اجرا نستدرک به الفضل المرغوب فيه و نعتاض به من انواع الذخر المحروص عليه».

پس اجر مصيبت بر تفريط در اين ماه را چيزي قرار ده تا به وسيله آن، فضيلتي که مورد رغبت است نائل آييم و به جاي آن از انواع ذخيروي که بر آن تشويق شده عوض به دست آوريم. «و اوجب لنا عذرک علي ما قصرنا فيه من حقک».

و از باب : کتب ربکم علي نفسه الرحمة. پذيرش پوزش را براي ما مقرر نما تا حق تقصير شده شما بخشوده گردد. «و ابلغ باعمارنا ما بين ايدينا من شهر رمضان المقبل فاذا بلغتنا فاعنا علي تناول ما انت اهل من العبادۃ و ادنا الي القيام بما يستحقه من الطاعة» و عمر ما را تا ماه مبارک آينده طولاني بفرما و هنگامي که ما را به آينده آن رساندي ما را کمک فرما تا آنچه در خور شماسست عبادت نمائيم و آنچه سزاوار توسل طاعت کنيم «و اجر لنا من صالح العمل ما يکون درکا لحقک في الشهرين من شهور الدهر»؛ و توفيق انجام کار نیک را بطور جاري و مستمر بهره ما فرما تا آنچه حق و شايسته شما است در تمام ماه مبارک رمضان که در مدت عمر ما پيش مي آيد جبران شود.

«و اجر مصيبتنا بشهرنا و بارک لنا في يوم عيدنا و فطرنا».

پروردگارا، هجران ماه مبارک را که مصيبت ماست جبران فرما و براي ما در روز عيد فطر برکت مقرر نما... و با سپري شدن اين ماه ما را از هر تباهي بيرون بياور...

و هر پاداشي که به افراد شايسته و واجد شرايط اين ماه مرحمت مي کني، به ما نيز لطف فرما، زيرا فضل تو تمام شدني نيست، بلکه همواره جوشان است.

و ثواب همه کساني که تا قيامت در آن ماه روز مي گيرند يا عبادت مي کنند براي ما ثبت فرما... آمين.

پي نوشت ها :

- (1) صحيفه سجاديّه، دعاء 45، وداع ماه مبارك رمضان
- (2) همان ماخذ
- (3) قديد به گوشت هاي مانده ذخيره لانه ها مي گویند
- (4) ديوان سنائي غزنوي
- (5) دعاي وداع
- (6) عنكبوت، 60
- (7) «مض» آن درد گدازنده را گویند. همچون رنجش از گداختگي آهن سرخ شده اي كه به انسان اصابت كند.
- (8) سوره ملك، آيه 30.
- (9) امالي، شيخ مفيد، مجلس 6، حديث 14